

# چهارم

گفت‌وگو با امیر بشیری، کارگردان نمایش کلنل

## آموزش وطن پرستی به نسل جوان

◀ صفحه ۸



در گفت‌وگو با سیدعباس سیدصدرالدینی؛ شاعر و ذاکر اهل بیت (ع) به مناسبت ایام فاطمیه مطرح شد

**روژه‌های خانگی**  
**هدایتگر و شورانگیز**

گفت‌وگوی «جام جم» با عوامل برنامه حسینه معلی

## حسینه معلی تاریخی شد

◀ ۷۱

یادنامه «جام جم»  
برای زنده‌یاد رضا معینی

**نام‌ها و نشانه‌های**  
**یک صدا**



📌 زاویه دید

📌 درنگ

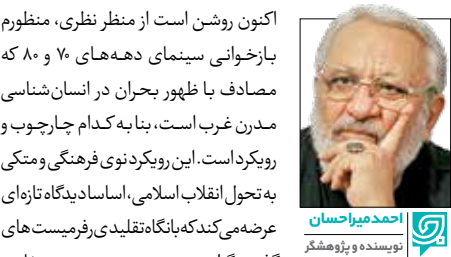
سروش منتشر کرد

### مصرف در عصر دیجیتال

چاپ نخست کتاب «مصرف در عصر دیجیتال؛ در جستجوی اشکال جدید سرمایه‌داری» نوشته جورج ریتزر و همکاران با تدوین و ترجمه مهدی اکبری‌گلزار از سوی انتشارات سروش منتشر و روانه بازار نشر شد.

از ابتدای قرن بیستم، رونق گرفتن تولیدات صنعتی و افزایش تصاعدی مازاد تولید در جوامع غربی، این مسأله را به وجود آورد که با مازاد تولید انبوه، چه باید کرد؟ نیازهای اساسی، به مرور، کاملاً تأمین شده بود و هنوز تولیداتی که چند برابر نیاز مردم بودند، فروخته نشده بود و این گونه بود که موضوع «مصرف»، ذهن صنعتگران و بازرگانان و همچنین متفکران را به خود مشغول کرد و به همین دلیل ایشان پرداختن به مقوله مصرف را بیش از پرداختن به مقوله تولید مهم دانستند، زیرا چنان‌که اشاره شد از لحاظ صنعتی، موانع تولید برطرف شده بود و اینک مسأله اصلی که برای بازتولید چرخه نظام سرمایه‌داری حیاتی به نظر می‌رسید، مصرف مازاد تولید بود. در این دوران برای این‌که مازاد تولید در بالاترین حد به مصرف برسد، چاره‌ای جز افزایش «نیاز به مصرف» اندیشیده نشد. در این حالت، مصرف از منظر استدلالی جنبه‌های گوناگونی به خود گرفت.

جورج ریتزر، نظریه‌پرداز خود درباره مقوله مصرف را به طور جدی از اوایل دهه ۱۹۹۰ با نظریه مک دونالدی‌زاسیون و کارتهای اعتباری آغاز کرده و در یک دهه گذشته (۲۰۱۰) نیز بحث مبسوطی را در ارتباط با مصرف در عصر دیجیتال دنبال کرده است. از نظر ریتزر در عصر حاضر، نقش رسانه‌های دیجیتال به خصوص اینترنت نسل دو که مبنای تعاملی فضای مجازی را فراهم کرده است در مقوله مصرف غیرقابل چشم‌پوشی است. به همین دلیل او معتقد است این رسانه‌ها ما را وارد دوران جدیدی کرده‌اند که او آن را شکل جدیدی از نظام سرمایه‌داری قلمداد می‌کند. مباحث ریتزر چشم‌انداز مطلوبی را نه فقط برای علاقه‌مندان به مباحث متأخر اجتماعی به ما می‌دهد، بلکه به نوعی از عقبه کلاسیک خود برای فهم بهتر دنیای معاصر منقطع شده است و برای فهم جهان امروز ما کاملاً کاربردی است. چاپ نخست این کتاب در ۲۲۰ صفحه رقی، با قیمت ۱۷۰ هزار تومان توسط انتشارات سروش در اختیار علاقه‌مندان این حوزه قرار گرفته است. علاقه‌مندان برای تهیه این کتاب می‌توانند از طریق فروشگاه



📌 نقد از سینمای رو به افول مدرن

اکنون روشن است از منظر نظری، منظوم بازخوانی سینمای دهه‌های ۷۰ و ۸۰ که مصادف با ظهور بحران در انسان‌شناسی مدرن غرب است، بنا به کدام چارچوب و رویکرد است. این رویکرد نوی فرهنگی و متکی به تحول انقلاب اسلامی، اساساً دیدگاه تازه‌ای عرضه می‌کند که با نگاه تقلیدی-رفمیست‌های گذشته‌گرایی چون مجیدی بس متفاوت است. با خطوط برجسته می‌خواهم اعلام کنم اگر سینمای ایران بنا به این منظر و رویکرد فرهنگی متعلق به تحولات انضمامی انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ سنجیده شود به تحول عمیق روی نموده که نه تنها معنای سقوط ندارد که برعکس، طرد سینمایی پیرامونی و سقوط آن به سود رشد سینمایی مستقل و رها از سیطره غرب است.

سینمای دهه‌های ۷۰ و ۸۰ نسبت به تمام تاریخ سینمای ایران، دربردارنده تحولی بزرگ بود. اما نسبت به آرمان سینمای مستقل در انقلاب اسلامی و آینده پیشران آن در جهان اسلام دچار انقطاع، خودباختگی و تقلید از سینمای رو به افول مدرن، محسوب می‌شود که بدون نفی آن، قدمی نمی‌شد به جلو برداشت. دولت‌های غربی‌گرا نمی‌توانستند این گام نو را بردارند. بردگان سینمای غرب قادر به درک معنای سقوط ضروری سینمای دهه ۸۰ نیستند اما اهل تفکر و اهل انقلاب اسلامی خوب می‌دانند بدون سقوط آن سینما که البته نسبت به گذشته قله و نقطه اوج بود، سینمای هم‌تراز جایگاه انقلاب اسلامی در جهان، نمی‌توانست جوانه زند. البته فقدان تفکر در مدیریت سینما به معنای این تحول، می‌تواند دوباره همان سینمای غربی‌گرا را با همه انحطاط ایدئولوژیک و ابذال لوگی هایش احیا کند. در عوض با طرد نیروهای خودفروش و برده و کارگزار چاکری شیطان بزرگ و هستی غریزه سینما، ما گام در آفرینش قله تازه و اوجی مستقل و برتر در سینما خواهیم گذاشت که با ارزش‌های انقلاب اسلامی و تصویرالهی از انسان هم‌نواست و جهان را به تغییر و نظام موعود رها از نیست‌انگاری، خشونت فساد و تباهی دعوت می‌کند.

📌 ارزش‌ها و بحران‌های سینما

اکنون لازم است درباره دو نکته بیشتر صحبت کنیم. اول شناخت ارزش‌های سینمای دهه‌های ۷۰ و ۸۰ ایران و دوم شناخت ضعف‌ها و بحران‌های آن. بر این مبنا ما خواهیم توانست اوج افق دیگر را طراحی و در آن مسیر نو حرکت کنیم و در پیام برخلاف تصور غرب‌پایان سقوطی در کار نیست و تنها طرد ضروری دشمن فرهنگ پیشرو اسلام انقلابی در میان است. وقتی به دهه ۶۰ بازمی‌گردیم، خوب به یاد می‌آوریم آن زمان هم بحران بلوغ به نام بحران سقوط و افول از سوی مخالفان نظام دینی معرفی می‌شد اما از دل گریز سینماگران طاغوت‌زده و بی‌چیزی ظاهری انقلابیون، سینمایی عالی‌تر زاده شد، امروز هم نگاه غلط فحیمی درست از گسست سلبریتی‌های طاغوت‌زده ندارد.

📌 دخالت‌گری تا پدیداری سینمایی آبرومند

سینمای دهه ۷۰ زاده زهدان سینمای دهه ۶۰ است. تلاش تیم انوار/ بهشتی و نفر سوم‌شان، برای راه‌اندازی سینمایی که با یک انقلاب اسلامی

انسان‌شناسی و خطر سقوط سینمای ایران؟

## فتح قله رفیع روایت سینمایی



برش

+

ایران گفتند دیگی که برای من نچو شد کله سگ بچو شد.

حتی انبوهی از سینماگرانی که میری از افراد دیگری زیسته بودند جوزه شدند و مثل اسرائیل، آمریکا و اروپا دست به تحریم ایران زدند! در حقیقت داوطلبانه خواست جمهوری اسلامی را با چهره خائن به مردم، ملت، استقلال و پیشرفت عمل کردند. این فضا با یک معجزه الهی مطلقاً ساقط شد. معجزه مقاومت عظیم. معجزه عریان‌سازی روح وحشی تمدن مدرن و دولت‌های بزرگ که سایه سرمایه جهانی صهیونیستی هستند و این هنرمندان خودفروش جاه‌طلب ابزار چنین سگان وحشی و کارگزار آنان گشتند و آن سینماگران گیج به چشم روح عریان این سقوط ضدانسانی و ضدپیشری را دیدند.

دهه ۷۰ به اسم سینمای رویکردگرا از آن نام برده‌ام، دومین جریان سینمایی مستقلی است که محصول شرایط مادی و معنوی انقلاب اسلامی در دهه ۶۰ است و با سینمای کیارستمی و در پی او سینمای امیر نادری متولد شد و آن هم در دهه ۱۰ دهه پایت.

📌 از سینمای رویکردگرا تا دفاع مقدس

در هم پاشیدگی ساختار پیشین سینمای ایران، حذف سرمایه‌داران فعال در سینما و ضرورت تأثیری با سرمایه کوچک نیز فاصله و مغایرت ارزش‌های انقلاب و جمهوری اسلامی با نظام اخلاقی سینمای غربی‌گرا و ویژگی‌های فاسدان چون بهره‌زاسکس و خشونت و نمایش روابط جنسی به مثابه کالایی سودآور در فیلم، که با اصول زیبایی‌شناسی پاره‌ای از سینماگران مقلد غرب مواجی داشت و مدیریت دولتی سینما از آن میری بود، هر دو طرف هنرمند خلاق اخلاق‌گرا و مدیران دولتی را به نوعی سینمای

مدرن علاقه‌مند کرد که توجهی به نمایش این وجوه نداشت. مثلاً زندگی روزمره که عباس کیارستمی با سبک شخصی خود یک سینمای رویکردگرا با اصرار در استفاده از فضای طبیعی در روایت، فیلمبرداری، کارگردانی، بازی پردازی و حتی تدوین و... را بنا نهاد و پیروانی پیدا کرد. از این دست بود. این سبک به یکی از دو سبک ایرانی در فیلمسازی پس از انقلاب تبدیل شد. هر قدر سبک فیلمسازی در فیلم‌های دفاع مقدس با سینمای جنگی هالیوود فرق داشت، بیشتر از آن در سبک رویکردگرایی استقلال سبکی نویی دیده می‌شد که هم با سینمای دراماتیک و هم با سینمای کسانی چون گدار تفاوت داشت.

📌 سوءاستفاده جریان لیبرال از سینمای ملی

روشن کردن ابعاد گوناگون گفته‌مجیدی درباره سینمای دهه ۷۰ گرایش‌های گوناگون روشنفکری دینی و غیردینی در آن، مسأله نوع پوشیده غربی‌گرایی زیر نقاب مخالفت با هالیوود و پیروی از نگاه پس‌استعماری که خود تولید غرب بود و بر بومی‌گرایی تأکید داشت و سینماگر کشور پیرامونی از این نگاه عاریتی غربی سود می‌جست تا نشان دهد موافق با گشت به خویش‌ن است و نداشتن پایگاه مستحکم معرفتی مستقل چون قرآن مجید و عبرت همه و همه، سبب می‌شد این جریان روشنفکرانه به بومی‌گری و سینمایی با هویت ملی با نگاه توریستی بنگرد.

چنین است که اوج دهه‌های ۷۰ و ۸۰ در دانش یک تنزل معنوی نهفته است. جریان لیبرال از این نوع سینمای ملی تحت هدایت جشنواره‌های غرب استفاده می‌کرد. چون هم نگاه و هم زبان روشنفکرانه مدرن این سینما با مدرن‌گرایی غربی آنان انسجیت داشت. پس این اوج از منظر انقلاب اسلامی تنها یک منزلگاه بین راهی برای کسب تجربه و حرکت به سوی قله واقعی سینمای اسلامی و انقلابی بود که اگر دریا را هم نشان می‌داد در آن حضور خدا را می‌دید و خود و دریا را در محضر خدا می‌دید. این سینمای دهه‌های ۷۰ و ۸۰ جز موارد استثنایی چنین نبود. آثار خود مجیدی مانند چپه‌های آسمان و رنگ و خا... و جداز درستی و نادرستی فیلم چنین رویکردی داشتند. پس بهترین آثار دهه‌های ۷۰ و ۸۰ آثار دراماتیک چون لایلا و آثار فراموش نشدنی مانند زندگی و دیگر هیچ کیارستمی عمدتاً آثار سکولار و روشنفکرانه بودند از جنس آثار بزرگ سینمای اروپا در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی.

📌 مجال بزرگ برای حرکت به سوی قله

امروز اگر مدیران این دولت معرفت، ایمان، دانش و ژرف انقلاب انتظار و پیشرانی اسلام جهانی را بشناسند، مجال بزرگی برای حرکت به سوی قله یک سینمای رفیع جهانی توانمند است. توانایی ایرانی جای تردید نیست. اگر دانشمندان و نیروهای ایمانی در قلمرو دانش هسته‌ای و موشکی می‌توانند به جایگاه قدرت بزرگ برسند. با ایمان و سازماندهی و کار و تلاش می‌توان قله سینمای جهان را فتح کرد. این نگاه است که قاش می‌کند نگرش اصلاح‌طلبانه ناتمام و نومید و فاقد ژرف‌بینی مجیدی را سقوط رامی‌بند و صعوداتی را باور ندارد. آنان که خواستند با تحریم و ترک سینمای ایران آن را ساقط کنند. از راز بزرگ انتظار سنجیده الهی در آینده سینمای ایران با خبر نیستند. با این تذکر که با تحولات تکنولوژیک سینمای فردا ربطی به ساختار قرن بیستمی سینمای کنونی نخواهد داشت. انقلاب اسلامی بر زمینه سقوط سینمای به پایان رسیده، سینمای سنجیده نویی را شکل می‌دهد.

معلایی از فیلم نیز با ساخت زنده‌یاد رسول مطلق‌پور